

نوع مقاله پژوهشی

قیاس های تاریخی و بازشناسی توافقات های هسته ای ایران (۱۳۹۲-۱۳۹۴)

صدیقه شیخزاده جوشانی^۱، فاطمه میرشکارپور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

چکیده

بیشتر افراد هنگام رویارویی با رویدادها یا موقعیت های جاری ناآشنا یا جدید تلاش می کنند از مقایسه این رویدادها با رویداد یا موقعیتی در گذشته برای فهم رویداد جاری کمک بگیرند. فهم یک رویداد یا موقعیت جاری از گذر قیاس آن با رویداد یا موقعیتی در گذشته، یک سازوکار یا میانبر شناختی است که روانشناسی شناختی از آن با عنوان «استدلال قیاسی» یاد می کند. پژوهش حاضر، با تمرکز بر رویداد سیاست خارجی «مذاکرات و توافقات هسته ای ایران-گروه ۵+۱» نشان داده است که چگونه برخی شخصیت های سیاسی، رسانه ها، و کاربران آن ها در ایران کوشیده اند رویداد «مذاکرات و توافقات هسته ای سه گانه ایران-گروه ۵+۱» (۱۳۹۲-۱۳۹۴) را با توسل به مقایسه های تاریخی، درک کنند. بر پایه یافته های پژوهش، قطعنامه ۵۹۸، بیانیه های الجزایر ۱۹۸۱، ملی شدن صنعت نفت، معاهده ترکمانچای، پیمان سعدآباد، معاهده گلستان، معاهده پاریس، امیرکبیر، آرش کمانگیر، صلح حدیبیه، و صلح امام حسن (ع)، قیاس های تاریخی ای هستند که قیاسگران، رویداد سیاست خارجی «مذاکرات و توافقات هسته ای ایران-گروه ۵+۱» (۱۳۹۲-۱۳۹۴) را با توسل به آن ها فهم کرده اند که از میان آن ها، قطعنامه ۵۹۸ و صلح حدیبیه، هر یک به طور برابر با فراوانی ۲۲ درصد، فراگیرترین قیاس ها بوده اند. استنباط نویسندگان این است که میان موافقان و مخالفان «توافقات هسته ای سه گانه ایران-۵+۱» در جامعه ایرانی، نبردی قیاسی در گرفته بود و توریبک سیاسی ایران/ملی گرای-اسلام گرایی ابزار این نبرد است.

واژگان کلیدی: روانشناسی شناختی، قیاس، استدلال قیاسی، قیاس تاریخی، مذاکرات و توافقات های هسته ای ایران-گروه ۵+۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران (نویسنده مسئول) ssheikhzadeh@uk.ac.ir

۲. دانش آموخته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران fatemehmirshkarpour1400@gmail.com

The historical analogies and recognizing Iran's nuclear agreements (2013-2015)

Sedigheh Sheikhzadeh Jooshani¹, Fatemeh Mirshekarpour²

Abstract

Human beings often in confronting with unfamiliar and novel events and situations, attempt to make sense of them by comparisons between a present event or situation and a past one. Making sense of a current event or situation by analogizing is a mechanism or cognitive shortcut that cognitive psychology refers to it as Analogical Reasoning (AR). The present study, emphasizing the foreign policy event of Iran's nuclear negotiations and agreements - the P5+1 (2013-2015), aims to show how some of political personalities and online media users have understood this event by using historical analogies. The study has used directed qualitative content analysis method for collecting and analyzing data. The findings show that the events of The Resolution 598, The Algiers Accords 1981, The nationalization of the Iranian oil industry, The Turkmenchay treaty, The Sa'adabad treaty, The Golestan treaty, The Paris treaty, Amir Kabir, Arash Kamangir, The Huddaybbiah Peace and The Imam Hassan Peace, are the historical analogies that analogizers invoked them in order to make sense of the current event of Iran's nuclear negotiations and agreements - the P5+1 (2013-2015). The findings show that of the total of 11 historical analogies used by the analogizers, the analogy of Resolution 598 and the Huddaybbiah Peace, equally with the frequency of 22%, have been the most popular analogies. The results show there has been an analogical battle between proponents and opponents of Iran's nuclear negotiations and agreements - the P5+1 (2013-2015), that Islamism-Iranism political rhetoric is the device of this battle.

Keywords: Cognitive psychology, Analogy, Analogical reasoning, Historical analogy, Iran's nuclear negotiations and agreements - the P₅₊₁

1. Assistant Professor of political science, Shahid Bahonar University of Kerman (Corresponding Author)

ssheikhzadeh@uk.ac.ir

2. Graduated of master in political science, Shahid Bahonar University of Kerman

fatemehmirshekarpour1400@gmail.com

مقدمه

افراد در رویارویی با رویدادها یا موقعیت‌های ناآشنایی که هیچ دانش کاربردی و بی‌واسطه‌ای درباره آن‌ها ندارند، راه‌حل‌های خلاقانه‌ای را تولید می‌کنند. یکی از راه‌حل‌های خلاقانه، یا به عبارت دقیق‌تر، شیوه‌های فهم و حل مسئله در رویارویی با مسائل یا موقعیت‌های ناآشنا، قیاس‌سازی^۱ یا استدلال قیاسی^۲ است. در این سازوکار یا شیوه فهم و حل مسئله، افراد هنگام رویارویی با رویدادها یا موقعیت‌های ناآشنا یا جدیدی که ناچار به فهم یا تصمیم‌گیری درباره آن‌ها هستند، تلاش می‌کنند از مقایسه آن رویدادها با رویدادی در گذشته، برای فهم و تصمیم‌گیری درباره رویداد یا موقعیت جاری بهره بگیرند. فهم یک رویداد جاری از گذر قیاس آن با رویدادی در گذشته، یک سازوکار یا فرایند شناختی است که از آن با عنوان استدلال از گذر قیاس یا به عبارتی، «استدلال قیاسی» یاد می‌شود. استدلال قیاسی یا استدلال مبتنی بر قیاس، افزون بر مقایسه، دربرگیرنده یک فرایند استنتاجی است که به موجب آن، ویژگی‌های یک پدیده یا موقعیت جاری از شناخت ویژگی‌های عینی پدیده یا موقعیت دیگری استنتاج می‌شود. چنانچه این پدیده یا موقعیت دیگر، یک رویداد تاریخی باشد، آن‌گاه قیاس یا استدلال قیاسی، یک قیاس تاریخی^۳ خواهد بود. در قیاس تاریخی، شناخت یک رویداد از طریق شبیه‌سازی یا قیاس آن با رویدادی در گذشته امکان‌پذیر می‌شود، اما فرایند قیاس تاریخی، آن‌گونه که یاکوف ورتسبرگر تأکید می‌کند، محدود به یک قیاس صرف نیست. در این فرایند، یک رویداد تاریخی که فرض می‌شود دلایل آن شناخته شده باشد، موقعیت‌یابی^۴ و سپس، از رهگذر قیاس بین علل هر دو رویداد (گذشته و حال)، به عنوان مترادف با رویداد حال تعریف می‌شود. این کار، مستلزم گذراندن یک فرایند دو مرحله‌ای است: ابتدا، ایجاد یک قیاس/شباهت بین دو رویداد و دیگری، قیاس بین علل آن‌ها، با این استنتاج که دلایل مشابه، بیانگر نتایج مشابهی هستند. ورتسبرگر، مرحله اخیر را مرحله «نتیجه‌گیری» یا «استنباط علی» می‌نامد (Vertzberger, 1986: 226). پژوهش حاضر، با فرض گرفتن مذاکرات و توافقی‌های هسته‌ای ایران ۱۳۹۴-۱۳۹۲ به عنوان رویداد یا موقعیت جاری و با تمرکز بر زمینه رسانه کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که «چگونه برخی شخصیت‌های سیاسی، رسانه‌های برخط، و کاربران رسانه‌ای در ایران، این رویداد را با توسل به قیاس‌های تاریخی درک کرده‌اند؟»

1. Analogy Making
2. Analogy Reasoning
3. Historical Analogy
4. Locating

همچنین، این پژوهش تلاش کرده است، افزون بر پرسش اصلی، به سه پرسش فرعی دیگر نیز پاسخ دهد که عبارت‌اند از: «قیاسگران برای فهم رویداد جاری «مذاکرات و توافقات‌های هسته‌ای ایران-گروه ۵+۱» به کدام قیاس‌های تاریخی متوسل شده‌اند؟»، «قیاسگران برای درک رویداد جاری «مذاکرات و توافقات‌های هسته‌ای ایران-گروه ۵+۱» از کدام منابع قیاس تاریخی استفاده کرده‌اند؟»، «استنتاج‌های قیاسی قیاسگران شناسایی شده دربارهٔ رویداد جاری «مذاکرات و توافقات‌های هسته‌ای ایران-گروه ۵+۱» چه بوده است؟»

۱. پیشینه پژوهش

بر پایهٔ بررسی‌های انجام‌شده در پژوهش حاضر، رویکرد قالب ادبیات موجود در حوزهٔ قیاس‌های تاریخی بر کاربرد قیاس‌ها در موقعیت تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیران سیاست خارجی دولت‌ها متمرکز شده است (Houghton, 2004; Houghton, 1996; Hemmer, 1999; Macdonald, 2010; Siniver & Colins, 2013; Kamali & Sheikhzadeh Jooshani, 2019). در میان پژوهش‌های داخلی نیز تنها یک اثر در حوزهٔ کاربرد قیاس‌های تاریخی موجود است که آن نیز در چارچوب این ادبیات قرار دارد (Sheikhzadeh Jooshani & Kamali, 2018). این در حالی است که بیشتر افراد، همانند سیاستمداران برای فهم رویدادهای جاری از قیاس‌های تاریخی استفاده می‌کنند. دربارهٔ کاربرد قیاس‌های تاریخی در حوزهٔ رسانه نیز تنها یک اثر شناسایی شده است که نویسندگان آن، هدف پژوهش خود را «تحلیل چگونگی کاربرد قیاس‌های تاریخی در رسانه‌ها برای فهم رویدادهای جدید»، تعریف کرده‌اند (Axelrod & Foster, 2017)؛ از این رو، پژوهش حاضر با هدف فراتر رفتن از کشف و توصیف چگونگی کاربرد قیاس‌های تاریخی در سطح رسمی، کوشیده است نحوهٔ رویارویی و استنتاج قیاسی برخی رسانه‌ها، کاربران رسانه‌ای، و مقامات سیاسی غیررسمی را با موقعیت جاری «مذاکرات و توافقات‌های هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱» نشان دهد که از این جهت، نخستین اثر در این زمینه به‌شمار می‌آید.

۲. چارچوب نظری پژوهش

روان‌شناسی شناختی، شاخه‌ای از روان‌شناسی و همچنین، «یکی از گرایش‌های پیچیده و درعین حال، جذاب روان‌شناسی است که با طیف گسترده‌ای از مسائل، موضوع‌ها و فرایندهایی از قبیل توجه، ادراک، یادگیری، حافظه، تصویرسازی ذهنی، زبان، حل مسئله، و استدلال و تفکر سروکار دارد و هدف آن، درک بهتر و بیشتر فرایندهای دخیل در فهم محیط و انجام اقدامات مناسب و مرتبط است» (Eysenc &

Kane, 2010: 7). بر پایه‌ی تعریف رابرت استرنبرگ، روان‌شناس شناختی امریکایی، روان‌شناسی شناختی، رویکردی از روان‌شناسی است که با مطالعه‌ی فرایندهای ذهنی شناخت سروکار دارد. این رویکرد، بررسی می‌کند که افراد چگونه یاد می‌گیرند، به یاد می‌آورند، و درباره‌ی اطلاعات فکر می‌کنند (Dunber & Fugelsang, 2017: 289).

۲-۱. استدلال قیاسی؛ یک شیوه‌ی حل مسئله

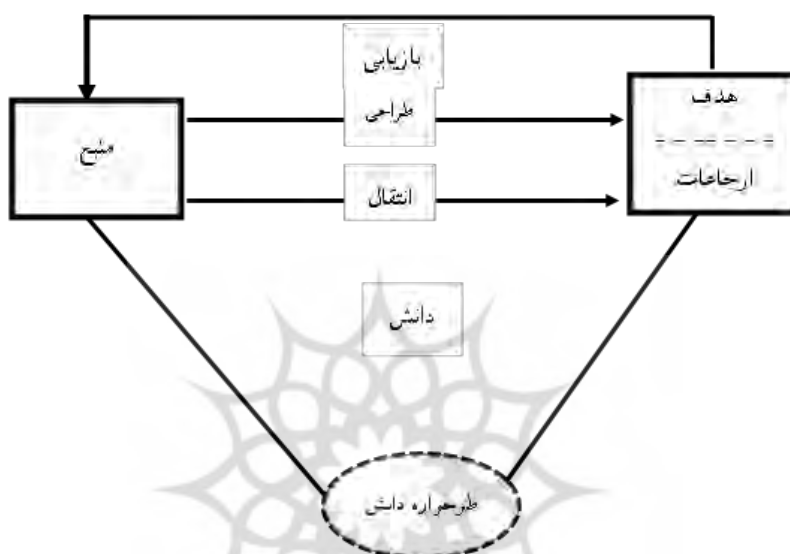
روان‌شناسی شناختی با تلقی انسان به‌عنوان موجودی با قابلیت پردازشگری اطلاعات و حل مسئله، در پی درک و تبیین رفتار از راه مطالعه‌ی فرایندهای ذهنی‌ای است که افراد انسانی از طریق آن، اطلاعات را کسب، تفسیر، و ذخیره می‌کنند و اطلاعات ذخیره‌شده را در رویارویی با موقعیت‌های جدید و ناآشنا، پردازش و برای حل مسئله‌ی جدید به کار می‌بندند؛ از این رو، حل مسئله^۱، به‌عنوان یکی از فرایندهای ذهنی، محور توجه روان‌شناسی شناختی است. «از منظر آیزنک، فرایند حل مسئله عبارت است از پردازش شناختی برای تبدیل یک موقعیت مفروض به موقعیتی مطلوب، درحالی که شخص حل‌کننده برای حل آن، روش آماده و واضحی ندارد» (Banisi, Delfan Azari & Banisi, 2010: 143). به کارگیری قیاس و استدلال قیاسی، یکی از راهبردهای اکتشافی حل مسئله است. جوهر استدلال قیاسی، انتقال دانش از یک موقعیت به موقعیت دیگر از طریق فرایند نمونه‌سازی است. استدلال قیاسی، یکی از عناصر کلیدی تفکر انسان است (Schauer, 2007: 3). استدلال با استفاده از قیاس در تجربه‌ی روزمره ما امری فراگیر است؛ به این معنا که هر زمان که تصمیم بگیریم موقعیت جدیدی را با رویدادی در گذشته در ذهنمان ترسیم کنیم، درگیر استدلال قیاسی شده‌ایم. براین اساس، استدلال قیاسی، یک سازوکار شناختی است که افراد تمایل دارند آن را هنگام رویارویی با شرایط جدید یا غیرمعمول به کار گیرند؛ از این رو، از قیاس‌ها استفاده می‌کنیم؛ زیرا آن‌ها مفید هستند. آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و متقاعد کردن دیگران از درستی تصمیم‌ها به ما کمک می‌کنند و ابعادی از موقعیت فعلی را که ممکن است مبهم باشد، روشن می‌کنند. در بهترین حالت، قیاس‌ها به ما کمک می‌کنند تا تعمیم‌های متصل‌کننده منبع و هدف را شناسایی کنیم (Schaure, 2007: 6-7). قیاس‌ها، مجموعه‌ای از وظایف تشخیصی^۲ را انجام می‌دهند. آن‌ها ماهیت مشکلات را با رویدادهای شناخته‌شده در گذشته شناسایی می‌کنند، در مسائل سیاسی درگیر می‌شوند، و راه‌حل‌های ممکن را پیشنهاد می‌دهند. همچنین، احتمال موفقیت مسیر یک عمل خاص را پیش‌بینی و درستی اخلاقی یک اقدام یا

1. Problem-Solving
2. Diagnostic Tasks

تصمیم را ارزیابی می‌کنند و نیز در مورد خطرهای احتمالی هشدار می‌دهند (Zaslavsky, 2001: 76).

۲-۲. اجزای فرایند استدلال قیاسی

روان‌شناسان شناختی، چهار مرحله متمایز را در فرایند استدلال قیاسی مشخص کرده‌اند: (۱) بازیابی^۱؛ (۲) نمونه‌سازی^۲؛ (۳) انتقال^۳؛ (۴) یادگیری^۴ که در اینجا از آن با عنوان «دانش» یاد می‌کنیم. با افزودن دو جزء منبع/مبدأ^۵ و مقصد/هدف^۶ به این چهار مرحله، اجزای سازنده یک فرایند استدلال قیاسی شکل می‌گیرد (شکل شماره ۱).



شکل (۱): اجزای سازنده یک استدلال قیاسی

Source: Holyoak, 2005: 118

در شکل شماره (۱)، جزء «منبع» به مسئله، رویداد، یا موقعیت پیشین یا گذشته اشاره دارد، در حالی که جزء «هدف» به مسئله، رویداد، یا موقعیت جاری نسبت داده می‌شود. به‌طور معمول، منبع یک قیاس، پایه

1. Retrieval
2. Mapping
3. Transfer
4. Learning
5. Source
6. Target

قیاسی است که آشناتر و قابل فهم‌تر از هدف است (Holyoak, 2005: 117). در واژگان استدلال قیاسی یک منبع، پیوستگی یک مسئله/ راه‌حل مربوط به مسئله‌ای است که پیشتر حل شده است و مرجعی برای یافتن راه‌حل مسئله‌ای است که در حال حاضر باید حل شود (یعنی هدف) (Visser, 1996: 3). در پژوهش قیاسی حاضر، هدف، بررسی توافقی‌ها و مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در طول سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۴ و منبع، رویدادهای تاریخی‌ای است که قیاسگران برای رویارویی با این مذاکرات و توافقی‌ها بازایی کرده‌اند.

۲-۳. بازایی

منظور از بازایی، به یاد آوردن منبع مسئله مشابهی است که پیشتر برای آن راه‌حلی مشخص شده است (Fridenberg and Silverman, 2006: 26). قیاسگر برای خلق یک قیاس یا استدلال قیاسی، باید ابتدا یک منبع را از حافظه خود بازایی کند. آشکار است که مرحله بازایی یا گزینش منبع قیاس، برپایه شباهت‌های موجود بین منبع و هدف انجام می‌شود. پژوهشگران رهیافت استدلال قیاسی، شباهت‌ها را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: شباهت‌های صوری و ساختاری. منظور از شباهت‌های صوری، شباهت در ویژگی‌های عینی است، درحالی‌که شباهت‌های ساختاری، به روابط بنیادین منبع و هدف اشاره دارند. درباره شکل‌گیری فرایند استدلال قیاسی برپایه شباهت‌ها گفته می‌شود که بازایی منبع، اغلب از طریق شباهت‌های صوری محدود می‌شود، اما یک منبع، سرانجام برپایه شباهت‌های ساختاری آن با مسئله هدف، گزینش خواهد شد (Forbus, et al., 1994).

۲-۴. نمونه‌سازی

به نظر بسیاری از پژوهشگران حوزه پژوهش‌های قیاسی، قیاس‌سازی، به فرایند نمونه‌سازی اشاره دارد. براین اساس، تفکر قیاسی، نتیجه فرایندهایی است که ساختار مفهومی مجموعه‌ای از ایده‌ها (حوزه پایه/ منبع) را درون مجموعه دیگری از ایده‌ها (که حوزه هدف نامیده می‌شود) نمونه‌سازی می‌کند. جوهر تفکر قیاسی، انتقال دانش از یک موقعیت به موقعیت دیگر، از طریق فرایند نمونه‌سازی است؛ یعنی پیدا کردن مجموعه‌ای از همسویی‌ها/شباهت‌های یک‌به‌یک (اغلب ناقص) بین ابعادی از مجموعه‌ای از اطلاعات با ابعاد دیگر (Houghton, 2009: 24). نمونه‌سازی، منبع و هدف را به هم متصل می‌کند و اجازه می‌دهد که این حوزه‌ها برای تولید یک مفهوم جدید با یکدیگر در تعامل باشند. هالیوک، نمونه‌سازی را دسته‌ای از شباهت‌های نظام‌مند می‌داند که کارشان، هم‌تراز کردن عناصری از منبع و هدف است. به گفته هالیوک، با نمونه‌سازی، استنتاج ارجاع‌های جدید درباره هدف و در نتیجه، بسط بازنمایی آن امکان‌پذیر می‌شود.

(Holyoak, 2005: 117-120)؛ از این رو، لازم است که نوعی قیاس شناخته‌شده برای حوزه هدف نمونه‌سازی شود تا ارتباطات نظام‌مند بین منبع و هدف را شناسایی کند. نمونه‌سازی اجازه می‌دهد که استنتاج قیاسی در مورد هدف انجام شود و در نتیجه، سبب ایجاد یک دانش جدید برای پر کردن شکاف‌های ادراک می‌شود (Holyoak, et al., 2001: 9).

۲-۵. انتقال

منظور از انتقال، جایی است که از عناصر ساختاری منبع برای رسیدن به نتیجه یا ایجاد یک استدلال درباره هدف، استفاده می‌شود (Schauer, 2007: 6).

۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، به‌فراخور هدف، از روش تحلیل محتوای جهت‌دار به‌عنوان راهبرد پژوهش و همچنین، تحلیل یافته‌ها و نتایج استفاده شده است. معمولاً رویکرد جهت‌دار را برپایه روش قیاسی متکی به نظریه، طبقه‌بندی می‌کنند؛ زیرا مهم‌ترین ویژگی آن نسبت به روش‌های دیگر، نقش نظریه از پیش موجود در آن است که به تمرکز بر پرسش‌های پژوهش، تعیین طرح رمزگذاری اولیه، و ارتباط بین رمزها کمک می‌کند. در این مقاله، به‌دلیل وجود پژوهش‌های نظری پیشین درباره رهیافت استدلال قیاسی، برای تحلیل متون از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار استفاده شده است. روش نمونه‌گیری، هدفمند و دربردارنده ۲۷ متن گزینش‌شده از میان ۵۷ متن در واحد زمینه‌ای رسانه‌های برخط داخلی در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۲ بوده است. همه مضمون‌های نهفته در متن‌های خبری، سخنرانی‌ها، اظهارنظرها، یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها، تصاویر، و کاریکاتورهای منعکس‌کننده مقوله‌های مرتبط با پرسش‌های پژوهش، به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده‌اند. همچنین، فرایند کدگذاری به‌صورت دستی و توسط دو کدگذار انجام شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. قیاس قطعنامه ۵۹۸

قیاس تاریخی قطعنامه ۵۹۸ به پذیرش قطعنامه‌ای اشاره دارد که در سال ۱۳۶۸ به جنگ ایران و عراق پایان داد و ایران، پس از یک سال، در ۲۷ تیر ۱۳۶۸، آن را به‌طور رسمی پذیرفت. بیشتر، موافقان (و در مواردی، مخالفان) مذاکرات و توافق‌های هسته‌ای در ایران، این قیاس را به‌کار برده‌اند. قیاسگران دو جزء از این رویداد تاریخی را بیش از اجزای دیگر، بازیابی و نمونه‌سازی کرده‌اند: «پیامدها» یا «نتایج» پذیرش قطعنامه از سوی ایران و رفتار طرف غیرایرانی مذاکرات. موافقان مذاکرات هسته‌ای، آن را برای تأکید بر

پیامدهای مثبت این رویداد از جمله، «پایان یافتن جنگ» و «پیروزی دیپلماتیک ایران» به کار برده‌اند، درحالی‌که مخالفان بر پیامدهای منفی آن، از جمله «ورود دوباره عراق به خاک ایران پیش از پذیرش قطعنامه» تأکید کرده و برپایه آن، استنتاج می‌کنند که توافقات‌های حاصل از مذاکرات هسته‌ای، برای طرف ایرانی، نتایج مثبتی نداشته است؛ به‌عنوان نمونه، موافقان مذاکرات هسته‌ای از رهگذر قیاس توافقی برجام با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و نمونه‌سازی این دو رویداد برپایه جزء «پیامدهای مثبت»، در فرایند استدلال قیاسی خود استنتاج می‌کنند که توافقی برجام نیز مانند پذیرش قطعنامه ۵۹۸، «در راستای مصالح ملی» بوده است و از این رو، آن‌ها با این توافقی هسته‌ای موافقت کرده‌اند، اما مخالفان از رهگذر همین فرایند استدلال قیاسی، نتیجه‌گیری می‌کنند که این توافقی نیز مانند پذیرش قطعنامه ۵۹۸، دستاورد مثبتی نداشته است. آن‌ها در فرایند استدلال قیاسی خود، جزء رفتار طرف غیرایرانی مذاکرات (طرف غربی) را برجسته و بر بدعهدی طرف غیرایرانی در انجام تعهدات تأکید می‌کنند.

۲-۴. قیاس بیانیه‌های الجزایر ۱۹۸۱

بیانیه‌های الجزایر ۱۹۸۱، به رویدادی اشاره دارد که در پی به‌گروگان گرفته شدن ۵۲ تن از دیپلمات‌های امریکایی در تهران در تاریخ سیزدهم آبان ۱۳۵۸ رخ داد و سرانجام، با میانجیگری دولت الجزایر، زمینه مذاکره و توافق طرفین برای حل اختلاف‌ها فراهم شد. این مذاکرات به صدور دو بیانیه و یک سند تعهدات موسوم به «بیانیه‌های الجزایر» در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۱۳۵۹/۱۰/۲۹) انجامید و به امضای نمایندگان دو دولت رسید (Ebrahimi Torkaman, 2016: 69-70).

به‌طور مشخص، مخالفان مذاکرات هسته‌ای از قیاس بیانیه‌های الجزایر استفاده کرده‌اند. پایه استدلال قیاسی این قیاسگران، جزء «طرف غیرایرانی مذاکره»، یعنی امریکاست. قیاسگران بر «بدعهدی طرف امریکایی» در هردو رویداد تأکید دارند که «تمام تعهدات خود را زیر پا می‌گذارد» و سرانجام، «دستاورد» نهایی هردو رویداد، به‌نفع امریکا و به‌ضرر ایران است.

۳-۴. قیاس ملی‌سازی صنعت نفت

قیاس ملی‌سازی صنعت نفت به کنش سیاسی-اجتماعی‌ای اشاره دارد که با هدف ملی‌سازی نفت در ایران شکل گرفت. این کنش بیش از هرچیز با نام محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت، پیوند خورده است. رویداد مذاکرات نفت ایران-انگلیس که در چارچوب این قیاس و به‌عنوان جزئی از آن قابل فهم است، به مذاکراتی اشاره دارد که به‌منظور حل مناقشه نفتی میان دولت مصدق و طرف انگلیسی شرکت نفت

ایران-انگلیس انجام شد (Abrahamian, 2014).

بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، موافقان و مخالفان مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱، هر دو از این قیاس تاریخی استفاده کرده‌اند؛ اما نحوه به کارگیری این قیاس از سوی آن‌ها متفاوت است. قیاسگران دو جزء از این رویداد را بیش از اجزای دیگر، بازیابی و نمونه‌سازی کرده‌اند که عبارت‌اند از: مصدق به‌عنوان جزء مهمی از فرایند شکل‌گیری رویداد تاریخی ملی‌سازی نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به‌عنوان جزء پایانی آن. جزء مصدق، بیشتر از سوی قیاسگرانی بازیابی و نمونه‌سازی شده است که کوشیده‌اند استنتاج‌های قیاسی خود مبنی بر دفاع از انجام مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ را با استفاده از قیاس ملی‌سازی نفت بیان کنند. به کارگیری این جزء از قیاس ملی‌سازی نفت، در برخی مطبوعات و سایت‌های اینترنتی وابسته به گروه‌های سیاسی جناح اصلاح‌طلب، قابل توجه بوده است؛ به‌عنوان نمونه، سایت خبری روزنامه «ابتکار» در سال ۱۳۹۴ از این قیاس استفاده کرده است. این روزنامه واکنش خود درباره توافقی نهایی برجام را با چاپ تصویری از مصدق و محمدجواد ظریف، رئیس گروه مذاکره‌کننده ایرانی، در صفحه نخست نشان داده است. در این تصویر، چهره ظریف و مصدق در یک چارچوب ترکیب شده و در کنار هریک از آن‌ها، مسئله مربوط به خودشان، یعنی اتم و نفت نشان داده شده است. در توضیح این تصویر، استدلال قیاسی قیاسگر با عنوان «ظرافتی هم‌تراز با مصدق» این‌گونه بیان شده است: «شاید ۲۳ تیرماه در تقویم ایرانیان، جایگاهی هم‌تراز با ۲۹ اسفند پیدا کند. اگر در آن روز، دولت منتخب و مردمی به‌رهبری دکتر مصدق توانست حق مردم ایران در حاکمیت ملی بر سر جریان ملی شدن نفت را محقق کند، امروز تیم هسته‌ای ایران به‌رهبری دکتر محمدجواد ظریف...، توانست ضمن پاسداشت حق هسته‌ای مردم ایران، بار دیگر حقوق مردم ایران را محقق کند» (Shams, 2015). قیاسگر در فرایند استدلال خود بین جزء «دست‌آورد» در هر دو رویداد، قیاس برقرار می‌کند؛ به این ترتیب که دست‌آورد هر دو رویداد، «پاسداشت و احقاق حقوق مردم ایران» بوده است و در نتیجه، با تأکید بر این دست‌آورد، موافقت خود را با توافقی‌های هسته‌ای اعلام می‌کند.

۴-۴. قیاس ترکمانچای

قیاس ترکمانچای به عهدنامه‌ای به همین نام اشاره دارد که در بیستم اسفند ۱۲۰۶ هجری شمسی در پی شکست ایران در جنگ قفقاز جنوبی و آذربایجان، بین فتحعلی‌شاه قاجار، پادشاه ایران، و روسیه تزاری امضا شد (Tabatabai Majd, 1974).



شکل (۲): کاربرد قیاس ملی‌سازی نفت

Source: Shams, 2015

قیاس ترکمانچای، قیاسی است که به‌طور مشخص، مخالفان داخلی مذاکرات هسته‌ای با گروه ۱+۵ از آن استفاده کرده‌اند. در فرایند استدلال قیاسی مخالفان، «تعهدات طرفین» و «دست‌آورد قرارداد» بیش از اجزای دیگر این رویداد تاریخی، بازیابی و نمونه‌سازی شده است؛ به‌عنوان نمونه، کاربرد قیاس تاریخی معاهده ترکمانچای در سایت خبری «صراط نیوز» منعکس شده است. قیاسگر در این متن بیان کرده است: «توافق‌نامه ژنو سال ۱۳۹۲ درحالی میان ایران و شش کشور امضا شد که ایران، ۱۸۶ سال پیش از آن، در سال ۱۲۰۶، عهدنامه ترکمانچای را... تجربه کرده بود... لیست تعهدات ایران به روسیه در ترکمانچای، البته قابل‌مقایسه با تعهدات پرشمار ایران به شش کشور غربی در ژنوچای نیست. ژنوچای، درست مانند ترکمانچای که اجازه عبور و مرور آزاد به کشتی‌های تجاری روسی در دریای خزر را می‌داد، اجازه عبور و مرور هرروزه بازرسان آژانس به تأسیسات هسته‌ای نطنز و فردو را داده است. ژنوچای، اطلاعات و اجازه دسترسی کنترل‌شده به کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ، کارگاه‌های تولید گرداننده سانتریفیوژها، انبارها، و معادن اورانیوم را از طرف ایران به بازرسان آژانس می‌دهد و ترکمانچای، حق قضاوت کنسولی را به اتباع روسیه، در ژنوچای، ایران از توسعه غنی‌سازی در نیمی از سانتریفیوژهای نطنز و سه‌چهارم سانتریفیوژهای فردو، تولید سانتریفیوژهای جدید، توسعه تأسیسات غنی‌سازی، فعالیت‌های تحقیق و توسعه، سوخت‌گذاری رآکتور آب سنگین اراک، انتقال سوخت و آب سنگین به رآکتور اراک، و احداث تأسیسات بازیافت پلوتونیوم از سوخت مصرف‌شده رآکتور آب سنگین در اراک دست می‌کشد و در ترکمانچای، ایران از مالکیت بر خانات ایروان و نخجوان صرف‌نظر می‌کند. در ژنوچای، همراه کمیسیون مشترکی میان ایران و طرف غربی تشکیل می‌شود و در ترکمانچای، ایران به انعقاد یک عهدنامه تجاری

بین ایران و روسیه و حق اعزام کنسول و نمایندگان تجاری به هر منطقه از مناطق ایران که روس‌ها لازم بدانند، رضایت می‌دهد. در ژنوچای، ۴/۲ میلیارد دلار از دارایی‌های متعلق به خود ایران، به صورت اقساط، آزاد می‌شود و در ترکمانچای، ده کرور تومان از طرف ایران به صورت اقساط به روسیه پرداخت می‌شود. سایر بندهای ژنوچای و ترکمانچای نیز شباهت‌هایی به یکدیگر دارند. با این وجود، مفاد عهدنامه ترکمانچای در بسیاری موارد، کاملاً شفاف بود؛ در حالی که مفاد ژنوچای تاکنون از سوی طرف‌های ایرانی و غربی با تفسیرهای متفاوت و بعضاً متناقضی همراه شده است» (Seratnews, 2013).

در این متن، قیاسگر، پایه استدلال قیاسی خود را بر نمونه‌سازی جزء به جزء مفاد توافق‌نامه ژنو=مفاد معاهده ترکمانچای و برقراری تناظر یک به یک بین بندهای این دو توافق‌نامه نهاد و با یاد کردن از قرارداد ترکمانچای، با عنوان «رویدادی ننگین» و توافق هسته‌ای ژنو با عنوان «ژنوچای»، مخالفت خود را با توافق هسته‌ای ژنو اعلام می‌کند.

۴-۵. قیاس پیمان سعدآباد

پیمان سعدآباد، پیمانی منطقه‌ای بود که در اوضاع و احوال ناآرام پیش از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی (۱۹۳۷ میلادی)، میان چهار کشور همسایه، یعنی افغانستان، ایران، ترکیه، و عراق با پیشگامی ایران در تهران منعقد شد. پیمان یادشده، تعهدکنندگان را ملزم به رعایت اصول عدم تجاوز مرزی، عدم مداخله در امور داخلی، و... می‌کرد. «دربارۀ اینکه انگلیس در انعقاد پیمان نقش داشته است، نظراتی وجود دارد. برخی با توجه به نقش انگلستان و همچنین، محتوا و مفاد پیمان و تفسیر آن، معتقدند که پیمان سعدآباد در جریان حوادث ۱۹۴۱، عدم کفایت خود را به اثبات رساند» (Faraji, 2013: 55-59). به طور مشخص، مخالفان توافق‌های هسته‌ای از قیاس پیمان سعدآباد استفاده کرده‌اند. مخالفان با بازیابی جزء به جزء دستورالعمل‌های ایران از این پیمان و اشاره به «بدعهدی هم‌پیمانان ایران»، تأکید کرده‌اند که در جریان حوادث شهریور ۱۳۲۰، هیچ‌یک از این کشورها به ایران کمک نکردند و این موضوع در رویداد توافق‌های هسته‌ای نیز اتفاق افتاده است.

۴-۶. قیاس عهدنامه گلستان

عهدنامه گلستان، به پیمانی اشاره دارد که در سال ۱۲۲۸ هجری قمری (۱۸۱۲م) در پی جنگ‌های ایران و روس در زمان فتحعلی شاه قاجار میان ایران و روسیه بسته شد. این عهدنامه در تاریخ معاصر ایران، نخستین عهدنامه یکجانبه‌ای بود که ایران به عنوان طرف شکست‌خورده، آن را از سوی یک کشور

استعماری پذیرفت. این عهدنامه، افزون‌بر اینکه سرزمین‌های بسیاری را از ایران جدا کرد، پیامدهای دیگری نیز برای ایران داشت که بر آینده ایران تأثیر گذاشت (Rahimi, 2014: 105-106).

به‌طور مشخص، مخالفان توافقات‌های هسته‌ای، قیاس عهدنامه گلستان را به کار می‌برند؛ آنان با تأکید بر جزء «امتیازات» و «تعهدات» داده‌شده از طرف ایرانی مذاکرات به طرف غیرایرانی، بر این نظرند که در توافقات‌های هسته‌ای نیز مانند عهدنامه گلستان، ما تعهدات سنگینی به طرف غربی/روسی دادیم و این خود، پیامدهای زیان‌باری برای ایران خواهد داشت.

۷-۴. قیاس معاهده پاریس

معاهده پاریس در سال ۱۲۶۹ هجری قمری (۱۸۵۷م)، پس از دومین نبرد انگلیس و ایران بر سر مسئله هرات، در زمان ناصرالدین‌شاه به‌منظور ایجاد صلح بین دو کشور در پاریس منعقد شد. به‌موجب فصل‌های پنجم، ششم، و هفتم این معاهده، دولت قاجار متعهد شد که ضمن تخلیه هرات و نقاط دیگر افغانستان، از اظهار سیادت خود بر این مناطق چشم‌پوشی کند (Mokhtari, et al., 2015: 114-115).

مخالفان توافقات‌های هسته‌ای با استفاده از قیاس معاهده پاریس، بر تعهداتی که ایران در جریان مسئله هرات به انگلیس داد، تأکید کرده و با توجه به دستاورد منفی و فرجام نامطلوب این قرارداد، مخالفت خود را با توافقات‌های هسته‌ای بیان می‌کنند.

۸-۴. قیاس امیرکبیر

میرزا محمدتقی خان فراهانی، مشهور به «امیرکبیر»، نخستین صدراعظم ناصرالدین‌شاه قاجار بود. شهرت او بیشتر به‌سبب اقدامات اصلاحی بلندپروازانه و دامنه‌داری بود که در فاصله سال‌های ۱۲۳۰-۱۲۲۷ هجری شمسی (۱۸۵۱-۱۸۴۸ م) با هدف تقویت دولت و رشد اقتصادی در ایران انجام داد. «او نخستین رهبر ایرانی بود که هم قدرت انجام تغییرات اساسی را داشت و هم طرح و نقشه آن را، و تا مدتی از حمایت شاه نیز برخوردار بود» (Keddie, 2002: 54). سیاست و روابط خارجی، یکی از حوزه‌هایی است که امیرکبیر در آن، کارنامه درخشانی دارد. امیر در سومین سفر خود به عثمانی برای حل و فصل دعاوی ایران و عثمانی، که دعای شدید مرزی علیه یکدیگر داشتند، باعث شد که پیمان ارزنه‌الروم به‌نحوی متین بین دو دولت مستحکم شود» (Khalili, 2001: 30-32). آنچه نقش امیرکبیر را در این رویداد دیپلماتیک برجسته می‌کند، رفتار و گفتار سنجیده و مدبرانه، موقع‌شناسی، و کاردانی اوست که سبب کسب اعتبار و موفقیت ایران در بعضی مراحل انعقاد قرارداد شده است (Khalili, 2001: 144-146).

در پژوهش حاضر، قیاس امیرکبیر به جزئی از رویداد دیپلماتیک عهدنامه دوم ارزنه‌الروم و همچنین،

جزئی از رویداد اصلاحات در دورهٔ صدارت امیر کبیر اشاره دارد.

به‌طور مشخص، موافقان توافق‌های هسته‌ای از قیاس رویداد اصلاحات امیر کبیر و رویداد معاهدهٔ ارزنه‌الروم استفاده کرده‌اند. موافقان با تأکید بر اجزای امیر کبیر و محمدجواد ظریف، این دو شخصیت ایرانی را در کنار هم قرار می‌دهند و با مقایسهٔ ویژگی‌های این دو شخصیت و عملکرد آن‌ها، به‌ویژه در حوزهٔ سیاست خارجی، بر این نظرند که هر دو، با تدبیر و کاردانی‌شان در این حوزه، موجب دستاوردهای دیپلماتیک ایرانی در رابطه با محیط خارجی‌شان شده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، در سایت خبری روزنامهٔ «آفتاب یزد» در متنی با عنوان «امیر کبیر عصر ما» آمده است: «مذاکرات، چه به نتیجه برسد و توافق حاصل شود... جایگاه محمدجواد ظریف نزد ملت ایران محفوظ است... اگر کمی صفحات تاریخ را ورق بزنیم، شاهد خواهیم بود که کم نبودند بزرگانی که واقعاً بزرگ بودند، اما برخی چشم دیدنشان را نداشتند. اینکه چرا این‌گونه بوده، طبعاً برمی‌گردد به عملکرد این بزرگان. فی‌المثل، بارها در مورد امیر کبیر شنیدیم و خواندیم که خصومت با او، زمانی آغاز شد که وی اصلاحات خود را هم‌زمان با رسیدن به صدارت آغاز نمود. اکنون هم به‌نظر می‌رسد، محمدجواد ظریف «ما»، بازی عده‌ای را بر هم زده است. کاسبان و تاجران تحریم، امید داشتند تحریم‌های ظالمانهٔ غرب تداوم یابد تا آنان بتوانند با سوءاستفاده به مراد دل خود برسند» (Aftabyazd, 2015).

قیاسگر در این متن، در فرایند استدلال قیاسی خود، جزء «مخالفان» با دو رویداد اصلاحات امیر کبیر و توافق‌های هسته‌ای را با هم قیاس می‌کند و همچنین، با چاپ تصویری از ظریف با کلاه و ردای امیر کبیر، چهرهٔ ظریف و امیر کبیر را با هم ترکیب کرده و بر این نظر است که: «ظریف، همان امیر کبیر است که بازی عده‌ای را بر هم زد»؛ از این رو، قیاسگر با تأکید بر اصلاحات امیر کبیر و با بیان جملهٔ «قصدها نداریم بگوئیم ظریف همان امیر کبیر است، اما شاید بد نباشد برای درک بزرگی وی دست به چنین مقایسه‌ای بزنیم»، با نگاه مثبت به عملکرد ظریف، موافقت خود را با توافق‌های هسته‌ای بیان می‌کند.

۹-۴. قیاس صلح امام حسن (ع)

پیمان صلح امام حسن (ع)، میان حسن بن علی (ع)، پیشوای دوم شیعیان و معاویه بن ابوسفیان، فرماندار شام، در سال ۴۱ هجری قمری بسته شد. نگارندگان تاریخ صدر اسلام، دربارهٔ انگیزه‌ها و دلایل پذیرش قرارداد صلح از سوی امام حسن مجتبی (ع) که موجب کناره‌گیری وی از حکومت به نفع معاویه شد، به مواردی چون جلوگیری از بروز جنگ‌های فرقه‌ای میان مسلمانان (در کوفه و شام)، تهدید جامعهٔ اسلامی از سوی امپراتوری روم شرقی، و عدم حمایت مردم و خیانت فرماندهان لشکریان امام حسن (ع) اشاره کرده‌اند (Al Yassin, 2009).



شکل (۳): کاربرد قیاس امیر کبیر

Source: Aftabyazd, 2015

یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه به کارگیری قیاس صلح امام حسن (ع) در رویارویی با مذاکرات و توافقات هسته‌ای ایران-گروه ۵+۱، نشان می‌دهد که این قیاس بیشتر از سوی مخالفان این مذاکرات به کار رفته است.

۱۰-۴. قیاس صلح حدیبیه

صلح حدیبیه، به پیمان صلحی اشاره دارد که در سال ششم هجری قمری میان پیامبر اسلام (ص) و قریش، در حدیبیه، منطقه‌ای واقع در بیست کیلومتری مکه، بسته شد. برپایه این صلح‌نامه، قرار شد پیامبر (ص) و پیروانش، در آن سال به مدینه بازگردند و سال دیگر برای به‌جا آوردن حج عمره به مکه بیایند. دو سال پس از پیمان، در پی نقض بند نخست صلح‌نامه (ترک مخاصمه و جنگ از سوی طرفین)، پیامبر (ص) با سپاه انبوهی که در زمان صلح گرد آورده بود، عازم مکه و موفق به فتح آن شد (Fayyaz, 1999).

در به کارگیری رویداد صلح حدیبیه در نبرد قیاسی مربوط به توافقات هسته‌ای ایران-گروه ۵+۱، قیاسگران، دو جزء از این رویداد تاریخی را بیش از اجزای دیگر، بازیابی و نمونه‌سازی کرده‌اند: جزء «واکنش مخالفان» و «پیامدها». جزء نخست، به واکنش برخی صحابه در برابر عقد پیمان صلح توسط پیامبر (ص) اشاره دارد. برپایه داده‌های منابع تاریخی، برخی یاران پیامبر (ص) با این استدلال که مفاد صلح‌نامه، بیشتر به سود قریش تنظیم شده است، امضای آن از سوی پیامبر (ص) را، «کوتاه آمدن»، «باج‌دهی در دین‌داری به قریش» و «شکست» تعبیر کردند و از این رو، از در اعتراض با این پیمان وارد شدند. جزء

دوم، به پیامدهای مثبت ناشی از امضای این پیمان اشاره دارد. برپایه تفسیر بسیاری از نگارندگان تاریخ صدر اسلام، امضای این صلح‌نامه توسط پیامبر اسلام (ص)، موجب تقویت جامعه مسلمانان و در نتیجه، زمینه‌ساز گسترش اسلام و سرانجام، چیره شدن بر مکه از طریق فتح آن در سال هشتم هجری قمری شد. درباره به کارگیری قیاس تاریخی صلح حدیبیه، در رویارویی با رویداد جاری توافق‌های هسته‌ای ایران، لازم است یادآور شویم که این قیاس را به همراه قیاس قطعنامه ۵۹۸ می‌توان هم به لحاظ تعداد قیاسگران و هم دامنه زمانی به کارگیری آن در مورد مسئله هسته‌ای ایران-قیاسی فراگیر به شمار آورد. به لحاظ زمانی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که قیاسگران در رویارویی با رویداد جاری توافق‌های هسته‌ای ایران، این قیاس را از آغاز مذاکرات بین ایران-گروه ۵+۱ در سال ۱۳۹۲ تا پس از توافق نهایی برجام، برای بیان استدلال‌های خود مبنی بر موافقت با انجام مذاکرات و توافق‌های به دست آمده (ژنو، آذر ۱۳۹۲؛ لوزان، فروردین ۱۳۹۴؛ و برجام، تیر ۱۳۹۴) و پس از برجام، به کار گرفته‌اند.

مورد دیگری از این قیاس تاریخی در سایت خبری «دیار میرزا» با عنوان «توافق‌نامه ژنو و صلح حدیبیه» به قلم سام سکوتی در یکم خرداد ۱۳۹۳ منتشر شده است. قیاسگر در این متن، استدلال خود را درباره توافق ژنو این گونه بیان کرده است: «در این مذاکره، مردم فهیم کشورمان می‌دانند که همه چیز به نفع کشور ما تمام نشده است و ما مجبور به دادن برخی امتیازها شده‌ایم تا در مقابل بتوانیم، امتیازاتی کسب کنیم که از بدیهی‌ترین اصول مذاکره است.... با نگاهی به تاریخ صدر اسلام و امضای قرارداد صلح پیامبر با مشرکین که به صلح حدیبیه معروف گشت، همگان می‌بینند که خداوند از آن صلح با عنوان فتوحی بزرگ یاد کردند و آن را زمینه‌ساز فتح مکه دانستند.... در جریان صلح حدیبیه، پیامبر و نماینده سپاه اسلام با نمایندگان مختلفی از کفار، پای میز مذاکره نشستند و اگرچه نتیجه ظاهری مذاکرات، به ضرر سپاه اسلام بود، اما در پایان، برنده مذاکرات، پیامبر اسلام و مسلمین بودند.... موافقین توافق‌نامه ژنو، آن را بهترین توافق ممکن یا شاهکار تیم هسته‌ای نمی‌دانند و در تمام دقایق مذاکره تیم هسته‌ای ایران، از همه توان علمی و دانش سیاسی خود، نهایت بهره را برده‌اند تا حداکثر امتیاز را از طرف غربی و چین و روسیه بگیرند...» (Sokooti Badagh, 2014).

براساس تفسیر پژوهشگران، فرایند استدلال قیاسی قیاسگر برپایه جزء «مفاد قرارداد» و «نتایج» دو رویداد شکل گرفته است. تناظر یک‌به‌یک در این قیاس، این گونه است: دادن برخی امتیازها در مقابل کسب امتیازها (در توافق ژنو) = دادن امتیازهایی از سوی پیامبر به کفار. قیاسگر در این متن با تأکید بر بندهای صلح حدیبیه نتیجه می‌گیرد که: «در صلح حدیبیه، اگرچه نتیجه ظاهری مذاکرات به ضرر سپاه

اسلام بود، اما در پایان، برنده مذاکرات، پیامبر اسلام و مسلمین بودند». براین اساس، برداشت قیاسگر این است که اگرچه در توافق ژنو، به‌ظاهر امتیازهای داده‌شده به طرف مقابل، چندان به‌نفع ما نیست، اما برنده نهایی، ایران خواهد بود؛ از این رو، با تأکید بر جزء «پیامد» رویداد صلح حدیبیه، موافقت خود را با توافق‌نامه ژنو بیان می‌کند.

۱۱-۴. قیاس آرش کمانگیر

آرش کمانگیر یا آرش شیواتیر، از کهن‌ترین اسطوره‌های ایرانی و همچنین، نام شخصیت اصلی این اسطوره است. قیاس آرش کمانگیر در پژوهش حاضر به جزئی از یک رویداد اسطوره‌ملی در قالب عنوان «جنگ ایرانیان و تورانیان» اشاره دارد. «اسطوره‌های ملی، اسطوره‌هایی مربوط به تاریخ قبل از اسلام هستند و ریشه در اساطیر هند و ایرانی دارند. بخشی از اسطوره‌های ملی را اسطوره‌های حماسی تشکیل می‌دهند. آرش کمانگیر، یکی از این اسطوره‌هاست» (Lak, 2005: 65, 66). این اسطوره در ادبیات فرهنگ ایرانی، نماد جانفشانی و فداکاری در راه وطن است.

به‌طور مشخص، موافقان مذاکرات هسته‌ای از قیاس آرش کمانگیر استفاده کرده‌اند. این گروه از قیاسگران، دیپلمات‌های ارشد ایرانی مذاکرات را با آرش کمانگیر مقایسه می‌کنند و مورد تشویق و تمجید قرار می‌دهند و براین اساس، موافقت خود را با توافق هسته‌ای بیان می‌کنند.

در یکی از موارد کاربرد این قیاس تاریخی که در روزنامه «قانون» بازتاب یافته، این‌گونه آمده است: «... در طول تاریخ ایران، بارها و بارها افسانه آرش، چراغ راه بسیاری از فرزندان این سرزمین بوده است... اکنون نوبت به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران رسیده، همگی آرش‌هایی برای این سرزمین بودند که در مقابل زیاده‌خواهی‌هایی که منافع و خاک این کشور را مورد تهدید قرار می‌داده، مقاومت کرده‌اند... یک روز مرزهای جغرافیایی یک سرزمین، دستخوش تلاطم بودند و امروز، منافع ملی یک کشور بر لبه پرتگاه هستند... زمین جدال شاید متفاوت باشد، اما هنوز این سرزمین، چشم‌انتظار آرش‌هایی است که بی‌ادعا، فرزندان این خاک باشند. دیروز مازندران در خطر بود و امروز تحریم‌ها، مردم یک سرزمین و منابع ملی را آزار می‌دهند... خبرها همچنان در وین در جریان است...؛ کمانداران ایرانی همچنان مشغول مذاکره هستند...».

قیاسگر در این قیاس، استدلال قیاسی خود را برپایه تناظرهای یک‌به‌یک میان دو رویداد این‌گونه آورده است: تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای = آرش کمانگیر از رویداد جنگ ایرانیان-تورانیان؛ درخطر بودن مازندران در جنگ ایرانیان-تورانیان = درخطر بودن مردم ایران به‌سبب تحریم‌ها. (وجه تشابه: هدف در

هر دو رویداد، دفاع از کیان ایران و منافع ملی). قیاسگر، همچنین با چاپ یک تصویر، چهرهٔ محمدجواد ظریف را با چهرهٔ شخصیت آرش کمانگیر ترکیب کرده و دیپلمات‌های ایرانی دیگر حاضر در مذاکرات هسته‌ای، یعنی علی‌اکبر صالحی، عباس عراقچی، و مجید تخت‌روانچی را در کنار ظریف به تصویر کشیده است و در متن از آن‌ها با عنوان «کمان‌داران ایرانی» یاد می‌کند؛ بنابراین، استدلال قیاسی قیاسگر بر قیاس «ظریف» با «آرش کمانگیر» بنا شده و بر این اساس، موافقت خود را با توافق هسته‌ای برجام اعلام می‌کند. همان‌گونه که داده‌های موجود در نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد، نقطهٔ اوج به کارگیری قیاس‌های تاریخی در رویارویی با رویداد جاری، توافق ژنو ۱۳۹۲ بوده است. پس از توافق هسته‌ای ژنو، روند به کارگیری قیاس‌ها، سیر نزولی به خود می‌گیرد؛ به گونه‌ای که در نقطهٔ زمانی سال ۱۳۹۳، میزان استفاده از قیاس‌های تاریخی به چهار مورد کاهش می‌یابد. این روند، به گونه‌ای ثابت تا نقطهٔ زمانی توافق هسته‌ای لوزان در فروردین ۱۳۹۴ ادامه می‌یابد، تا اینکه توافق نهایی برجام در تیر ۱۳۹۴ به دست می‌آید. در این نقطهٔ زمانی، دوباره روند به کارگیری قیاس‌های تاریخی با فراوانی ۹ مورد، سیر صعودی به خود می‌گیرد و در ادامه نیز این روند متوقف نشده و همچنان، تا پایان بازهٔ زمانی مورد بررسی، ادامه دارد. برپایهٔ داده‌های موجود، نقطهٔ اوج به کارگیری قیاس‌های تاریخی، توافق ژنو ۱۳۹۲ بوده است. پس از این توافق، روند زمانی به کارگیری قیاس‌ها سیر نزولی داشته است، به گونه‌ای که در نقطهٔ زمانی سال ۱۳۹۳، میزان استفاده از قیاس‌های تاریخی به چهار مورد کاهش می‌یابد. این روند به گونه‌ای ثابت، تا نقطهٔ زمانی توافق هسته‌ای لوزان در فروردین ۱۳۹۴ ادامه می‌یابد.



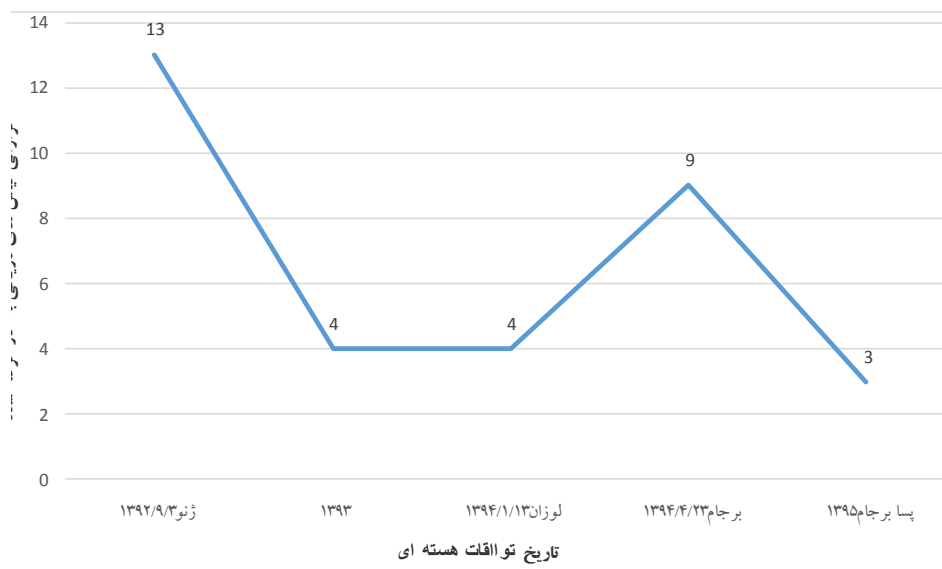
شکل (۴): کاربرد قیاس آرش کمانگیر

Source: Ghanoon, 2015

جدول (۱): قیاس‌های تاریخی به‌کارگرفته‌شده در رویارویی با رویداد جاری توافقات‌های هسته‌ای ایران

ردیف	قیاسگر	تاریخ کاربرد قیاس	رویداد منبع	رویداد مقصد	زمینه قیاس	استنتاج قیاسی قیاسگر
۱	صراط‌نیوز	۱۳۹۲/۹/۵	قطعنامه ۵۹۸	توافق هسته‌ای ژنو	تاریخ اخیر ایران	مخالف
۲	رسانویوز	۱۳۹۵/۱۰/۱۲	قطعنامه ۵۹۸	پسابرجام	تاریخ اخیر ایران	مخالف
۳	حمید نظریان	۱۳۹۵/۷/۷	قطعنامه ۵۹۸	پسابرجام	تاریخ اخیر ایران	مخالف
۴	کامران غضنفری	۱۳۹۴/۱/۲۰	قطعنامه ۵۹۸	لوزان	تاریخ اخیر ایران	مخالف
۵	محمدباقر قالیباف	۱۳۹۴/۷/۱۳	قطعنامه ۵۹۸	برجام	تاریخ اخیر ایران	موافق
۶	ابراهیم اصغرزاده	۱۳۹۵/۴/۲۸	قطعنامه ۵۹۸	پسابرجام	تاریخ اخیر ایران	موافق
۷	سیروس ناصری	۱۳۹۴/۵/۱۳	قطعنامه ۵۹۸	برجام	تاریخ اخیر ایران	موافق
۸	محمد سلیمانی	۱۳۹۴/۲/۱	بیانیه‌های الجزایر ۱۹۸۱	لوزان	تاریخ اخیر ایران	مخالف
۹	وحید یامین‌پور	۱۳۹۴/۸/۱۳	ملی شدن صنعت نفت	برجام	تاریخ معاصر ایران	مخالف
۱۰	محمد قوچانی	۱۳۹۲/۹/۹	ملی شدن صنعت نفت	ژنو	تاریخ معاصر ایران	موافق
۱۱	جلیل مسعودی‌فرد	۱۳۹۲/۱/۱۷	ملی شدن صنعت نفت	ژنو	تاریخ معاصر ایران	موافق
۱۲	فؤاد شمس	۱۳۹۴/۴/۲۴	ملی شدن صنعت نفت	برجام	تاریخ معاصر ایران	موافق
۱۳	فارس‌نیوز	۱۳۹۲/۹/۵	معاهده ترکمنچای	ژنو	تاریخ معاصر ایران	موافقت مشروط
۱۴	صراط‌نیوز	۱۳۹۲/۱۰/۲۵	معاهده ترکمنچای	ژنو	تاریخ معاصر ایران	مخالف
۱۵	قاسم روانبخش	۱۳۹۴/۱/۱۹	معاهده ترکمنچای	لوزان	تاریخ معاصر ایران	مخالف
۱۶	صراط‌نیوز	۱۳۹۲/۹/۵	معاهده ترکمنچای	ژنو	تاریخ معاصر ایران	مخالف
۱۷	فؤاد ایزدی	۱۳۹۲/۹/۲۵	معاهده ترکمنچای	ژنو	تاریخ معاصر ایران	مخالف
۱۸	فریدون عباسی	۱۳۹۴/۳/۲۷	معاهده ترکمنچای	لوزان	تاریخ معاصر ایران	مخالف
۱۹	صراط‌نیوز	۱۳۹۲/۹/۵	پیمان سعدآباد	ژنو	تاریخ معاصر ایران	مخالف
۲۰	صراط‌نیوز	۱۳۹۲/۹/۵	معاهده گلستان	ژنو	تاریخ معاصر ایران	مخالف
۲۱	صراط‌نیوز	۱۳۹۲/۹/۵	معاهده پاریس	ژنو	تاریخ معاصر ایران	مخالف
۲۲	مهدی تجریشی	۱۳۹۴/۴/۲۹	صلح امام حسن (ع)	برجام	تاریخ صدر اسلام	مخالف
۲۳	هادی شریفی	۱۳۹۳/۴/۲۲	صلح امام حسن (ع)	ژنو	تاریخ صدر اسلام	مخالف
۲۴	محمد قوچانی	۱۳۹۲/۱۱/۵	صلح حدیبیه	ژنو	تاریخ صدر اسلام	موافق
۲۵	علی مروی	۱۳۹۳/۹/۷	صلح حدیبیه	ژنو (در آستانه ژنو)	تاریخ صدر اسلام	موافق
۲۶	تسنیم نیوز	۱۳۹۲/۴/۲۲	صلح حدیبیه	ژنو	تاریخ صدر اسلام	موافق
۲۷	سیدعلی گرامیان	۱۳۹۴/۵/۲۸	صلح حدیبیه	برجام	تاریخ صدر اسلام	موافق
۲۸	مهدی تجریشی	۱۳۹۴/۴/۲۹	صلح حدیبیه	برجام	تاریخ صدر اسلام	موافقت مشروط
۲۹	سام سکوتی بداغ	۱۳۹۳/۳/۱	صلح حدیبیه	ژنو	تاریخ صدر اسلام	موافق
۳۰	محمود فرشیدی	۱۳۹۲/۹/۶	صلح حدیبیه	ژنو	تاریخ صدر اسلام	موافق
۳۱	آفتاب یزد	۱۳۹۴/۴/۲۲	امیرکبیر	برجام (در آستانه برجام)	تاریخ معاصر ایران	موافق
۳۲	روزنامه اعتدال	۱۳۹۳/۱/۴	امیرکبیر	ژنو	تاریخ معاصر ایران	موافق
۳۳	رجانیوز	۱۳۹۴/۴/۲۳	آرش کمانگیر	برجام	تاریخ ایران باستان	موافق

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار (۱): روند زمانی به کارگیری قیاس‌های تاریخی

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۲): فراوانی قیاس‌های به کار گرفته شده و منابع آن‌ها

ردیف	قیاس	منبع قیاس	فراوانی	درصد فراوانی
۱	قیاس قطعنامه ۵۹۸	تاریخ اخیر ایران	۷	۲۲ درصد
۲	قیاس بیانیه‌های الجزایر ۱۹۸۱	تاریخ اخیر ایران	۱	۳ درصد
۳	قیاس ملی شدن صنعت نفت	تاریخ معاصر ایران	۴	۱۳ درصد
۴	قیاس معاهده ترکمانچای	تاریخ معاصر ایران	۶	۱۹ درصد
۵	قیاس عهدنامه گلستان	تاریخ معاصر ایران	۱	۳ درصد
۶	قیاس معاهده پاریس	تاریخ معاصر ایران	۱	۳ درصد
۷	قیاس پیمان سعدآباد	تاریخ معاصر ایران	۱	۳ درصد
۸	قیاس امیرکبیر	تاریخ معاصر ایران	۲	۶ درصد
۹	قیاس صلح امام حسن (ع)	تاریخ صدر اسلام	۲	۶ درصد
۱۰	قیاس صلح حدیبیه	تاریخ صدر اسلام	۷	۲۲ درصد
۱۱	قیاس آرش کمانگیر	تاریخ ایران باستان	۱	۳ درصد
جمع کل	مجموع کل قیاس‌های به کار گرفته شده	بر اساس منابع چهارگانه تاریخ ایران (اخیر، معاصر و باستان) و اسلام (صدر اسلام)	۳۳	۱۰۰ درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از توافق نهایی برجام در تیر ۱۳۹۴، یعنی در دورهٔ پسابرجام در سال ۱۳۹۵ نیز به کارگیری قیاس‌های موردبررسی در پژوهش حاضر، ادامه می‌یابد؛ اگرچه این سیر به صورت نزولی ادامه یافته و به سه مورد رسیده است، اما می‌توان برآورد کرد که بین نقطهٔ زمانی دستیابی به توافقی‌های هسته‌ای میان ایران-گروه ۵+۱ و فراوانی به کارگیری قیاس‌های تاریخی، ارتباط مستقیمی وجود دارد که برپایهٔ استنباط پژوهشگران، این موضوع نشان‌دهندهٔ میزان درگیری و رویارویی فعالانهٔ جامعهٔ ایرانی با مسئله جاری مذاکرات و توافقی‌های هسته‌ای ایران-گروه ۵+۱ است.

برپایهٔ داده‌های موجود، از مجموع ۳۳ منبع قیاس به کار گرفته شده، براساس میزان فراوانی، تاریخ ایران معاصر (۱۵ مورد)، تاریخ صدر اسلام (۹ مورد)، ایران اخیر (۸ مورد)، و ایران باستان (۱ مورد) است که تنوع این منابع را نشان می‌دهد. نکتهٔ قابل توجه دیگر برپایهٔ داده‌های موجود، غیاب منبع قیاس تاریخ جهان در فرایند استدلال قیاسی قیاسگران بوده است.

جدول (۳): درصد فراوانی جزء مقصد در قیاس‌های به کار گرفته شده

ردیف	توافقی‌های هسته‌ای	فراوانی	درصد فراوانی
۱	توافق هسته‌ای ژنو	۱۷	۵۲ درصد
۲	توافق هسته‌ای لوزان	۴	۱۲ درصد
۳	توافق هسته‌ای برجام	۹	۲۷ درصد
۴	پسابرجام	۳	۹ درصد
جمع کل	مجموع کل جزء مقصد در قیاس‌های به کار گرفته شده	۳۳	۱۰۰ درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که بیشترین میزان فراوانی قیاس‌های به کار گرفته شده در رویارویی با رویداد جاری مذاکرات و توافقی‌های هسته‌ای، به توافق هسته‌ای ژنو با فراوانی ۵۲ درصد و پس از آن، به توافق هسته‌ای برجام با فراوانی ۲۷ درصد مربوط می‌شود. ۱۲ درصد قیاس‌ها به توافق هسته‌ای لوزان و تنها ۹ درصد (با کمترین میزان فراوانی) به پسابرجام اختصاص یافته است.

داده‌های جدول شماره (۴) گویای این است که قیاس قطعنامهٔ ۵۹۸، بیشتر از سوی موافقان و قیاس بیانیه‌های الجزایر ۱۹۸۱ نیز به طور مشخص از سوی مخالفان توافقی‌های هسته‌ای به کار گرفته شده است. قیاس ملی‌سازی صنعت نفت، بیشتر از سوی موافقان و معاهدهٔ ترکمانچای بیشتر توسط مخالفان به کار رفته‌اند. قیاس‌های معاهدهٔ پاریس، عهدنامهٔ گلستان، پیمان سعدآباد، و صلح امام حسن (ع) نیز به طور مشخص از سوی مخالفان و قیاس‌های صلح حدیبیه، امیرکبیر، و آرش کمانگیر، توسط موافقان توافقی‌های

هسته‌ای به کار گرفته شده‌اند. مجموع فراوانی استنتاج‌های قیاسی قیاسگران در جدول شماره (۴)، نشان‌دهنده این است که ۵۰ درصد از استنتاج‌های قیاسی انجام‌شده در مخالفت و ۴۶ درصد در موافقت با این توافقات و تنها ۴ درصد در موافقت مشروط با توافقات هسته‌ای بوده‌اند. این فراوانی، گویای این است که یک نبرد قیاسی میان موافقان و مخالفان توافقات هسته‌ای در جریان بوده است.

جدول (۴): فراوانی قیاس‌های انجام‌شده بر پایه استنتاج قیاسی قیاسگران

ردیف	قیاس تاریخی	مخالف	موافق	موافقت مشروط فراوانی
		فراوانی	فراوانی	
۱	قطعه‌نامه ۵۹۸	۴	۳	
۲	بیانه‌های الجزایر ۱۹۸۱	۱	-	
۳	ملی‌سازی صنعت نفت	۱	۳	
۴	معاهده ترکمنچای	۶	-	۱
۵	معاهده پاریس	۱	-	
۶	عهدنامه گلستان	۱	-	
۷	پیمان سعدآباد	۱	-	
۸	صلح امام حسن (ع)	۲	-	
۹	صلح حدیبیه	-	۶	۱
۱۰	امیرکبیر	-	۲	
۱۱	آرش کمانگیر	-	۱	
	جمع کل	۱۶	۱۵	۲
	درصد فراوانی	درصد ۵۰	درصد ۴۶	درصد ۴

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۵): فراوانی استنتاج‌های قیاسی

استنتاج قیاسی						مذاکرات و توافقات هسته‌ای
موافقت مشروط		موافقت		مخالفت		
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
درصد ۶	۱	درصد ۴۷	۸	درصد ۴۷	۸	ژنو
-	-	-	-	درصد ۱۰۰	۴	لوزان
درصد ۱۱	۱	درصد ۶۷	۶	درصد ۲۲	۲	برجام
-	-	درصد ۳۳	۱	درصد ۶۷	۲	پسابرجام
درصد ۴	۲	درصد ۴۶	۱۵	درصد ۵۰	۱۶	جمع کل

منبع: یافته‌های پژوهش

بر پایه داده‌های جدول شماره (۵)، از مجموع ۳۳ مورد استنتاج قیاسی شکل گرفته توسط قیاسگران، ۱۶ مورد، با فراوانی ۵۰ درصد، در طیف مخالفت، ۱۵ مورد، با فراوانی ۴۶ درصد، در طیف موافقت، و ۲ مورد، با فراوانی ۴ درصد، در طیف موافقت مشروط قرار می‌گیرند. همچنین، از مجموع استنتاج‌های قیاسی انجام شده، ۵۰ درصد، با توافق ژنو مخالفت، ۴۶ درصد موافقت، و ۴ درصد، موافقت مشروط داشته‌اند. میزان فراوانی استنتاج‌های قیاسی انجام شده درباره توافقات هسته‌ای لوزان، نشان‌دهنده این است که ۱۰۰ درصد استنتاج‌ها، در مخالفت با این توافق هسته‌ای بوده‌اند. داده‌ها نشان می‌دهد، از مجموع استنتاج‌های قیاسی انجام شده، ۲۲ درصد در مخالفت با توافق هسته‌ای برجام، و ۶۷ درصد در موافقت، و ۱۱ درصد در موافقت مشروط با این توافق بوده‌اند. همچنین، داده‌ها گویای این است که از مجموع ۳۳ مورد، با فراوانی ۱۰۰ درصد استنتاج قیاسی انجام شده، ۳ مورد، با فراوانی ۹ درصد، به پسابرجام اختصاص یافته است که از این تعداد، ۲ مورد با فراوانی ۶۷ درصد در مخالفت و ۱ مورد با فراوانی ۳۳ درصد در موافقت با پسابرجام بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه روانشناسان شناختی، بیشتر افراد هنگام رویارویی با موقعیت‌ها، مسائل، و رویدادهای جدید، ناشناخته، و مبهم، می‌کوشند تا با استفاده از راهبرد حل مسئله اکتشافی قیاسی، اقدام به بازیابی موقعیت، مسئله، یا رویداد مشابهی در گذشته کنند و از طریق انتقال دانش/شناخت خود، از رویداد گذشته برای حل یا فهم مسئله یا رویداد جاری کمک بگیرند. پژوهش حاضر کوشید تا با تمرکز بر مسئله «مذاکرات و توافقات‌های هسته‌ای ایران-گروه ۵+۱ در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۲ (مذاکرات و توافقات‌های ژنو ۱۳۹۲، لوزان ۱۳۹۴، برجام و پسابرجام ۱۳۹۵-۱۳۹۴)، به‌عنوان یک رویداد جاری، نشان دهد که چگونه برخی شخصیت‌های سیاسی، رسانه‌های داخلی، و کاربران آن‌ها تلاش کرده‌اند از طریق بازیابی رویدادهای گذشته، این رویداد را درک کنند؟ برای تبیین این مسئله، از «رهیافت استدلال قیاسی» به‌عنوان یکی از راهبردهای حل مسئله اکتشافی در چارچوب روانشناسی شناختی بهره گرفتیم. یافته‌ها نشان می‌دهد، برخی شخصیت‌های سیاسی، رسانه‌ها، و کاربران رسانه‌ای در ایران، برای فهم رویداد جاری مذاکرات و توافقات‌های هسته‌ای ایران-گروه ۵+۱ به ۱۱ قیاس تاریخی: قطعنامه ۵۹۸، بیانیه‌های الجزایر ۱۹۸۱، ملی شدن صنعت نفت، عهدنامه ترکمانچای، معاهده گلستان، قرارداد پاریس، پیمان سعدآباد، صلح امام حسن (ع)، صلح حدیبیه، امیرکبیر، و آرش کمانگیر متوسل شده‌اند که از این میان، قطعنامه ۵۹۸ و صلح حدیبیه، هر یک با فراوانی ۷ مورد (۲۲ درصد)، جزو فراگیرترین قیاس‌ها بوده‌اند.

استنباط پژوهشگران این است که میان موافقان و مخالفان «توافقی‌های هسته‌ای ایران-گروه ۵+۱» نبردی قیاسی جریان دارد که ابزار آن، رتوریک ایران‌گرایی-اسلام‌گرایی است. منابع چهارگانه قیاس‌ها (ایران اخیر، ایران معاصر، صدر اسلام و ایران باستان) نشان‌دهنده حضور این گفتمان‌ها یا رتوریک‌های سیاسی در جامعه ایرانی در دوره زمانی انجام پژوهش حاضر است که منجر به بازیابی و به سطح آمدن قیاس‌های تاریخی گوناگون در رویارویی با مسئله جاری مورد بحث شده است. برپایه دامنه زمانی قیاس‌های تاریخی به کار گرفته شده می‌توان نتیجه گرفت که توسل قیاسگران به دردسترس‌ترین تا دورترین قیاس‌های تاریخی، نشان‌دهنده تقلای جامعه ایرانی در بروز و تعیین کنندگی عاملیت خود در دگرگونی‌های جاری در عرصه سیاست خارجی است. نکته قابل توجه دیگر برپایه داده‌های موجود، غیاب منبع قیاس تاریخ جهان در فرایند استدلال قیاسی قیاسگران است. همچنین، پژوهشگران دریافته‌اند که بین وابستگی جناحی قیاسگران و نوع استنتاج قیاسی آن‌ها در رویارویی با رویدادهای جاری مورد تفسیر، ارتباط معناداری وجود دارد؛ به عنوان نمونه، بیشتر قیاسگران مخالف توافقی‌های هسته‌ای سه‌گانه ایران-گروه ۵+۱، دارای گرایش‌های جناحی نزدیک به جناح راست اصول‌گرا بوده‌اند؛ در حالی که گرایش‌های جناحی موافقان، بیشتر نزدیک به جناح اصول‌گرای معتدل، میانه‌رو، و اصلاح‌طلب بوده است.

منابع

- Abbasi, F. (2015). "We Have not Gained any Points in the Negotiations". available at: <https://www.dw.com/fa-ir/-/a-18260922>. (in persian).
- Abrahamian, E. (2014). *Coup d'etat*. Translated by: Naser Zarafshan. Tehran: Moasse-e- Negahpublisher. (in persian)
- Aftabyazd. (2015). "Amir Kabir of our era". available at: <http://aftabyazd.ir/?newsid=8658>. (in persian)
- Al Yassin, SH. R. (2009). *Imam Hassan's Peace: The Most Glorious Heroic Softness in History*. Translated by: Ali Khamenei. Tehran: Asia Publisher. (in persian).
- Asgharzadeh, A. (2016). "From the Negotiations of Resolution 598 to the Nuclear Negotiations". available at: <http://lahzenews.ir/fa/news/38182>. (in persian).
- Axelrod, R., & Forster, L. (2011). *How Historical Analogies in Newspapers of Five Countries Make Sense of Major Events: 9/11, Mumbai and and Tahrir Squaire*. Gerald Ford School of Public Policy, University of Michigan, Doctor of Philosophy, in the University of Hull.
- Banisi, P., Delfan Azari, G. & Banisi, V. (2010). "The Relationship between the Emotional Intelligence with Problem Solving Styles and Students General

- Health in 12th District of Islamic Azad-University". *Journal of Instruction and Evaluation*, 3(10), 135-156. (in persian)
- Dunber, K. & Fugelsang, J. (2017). "An Introduction to Cognitive Psychology". In: W.Bechtel, and G.Graham[Eds] .A Companion to Cognitive Science, chapter3, 289-298. Available at: www.journals.eleevier.com
- Ebrahimi Torkaman, A. (2016). "Background and legal nature of Iran – United States Claims Arbitral Tribunal". *Journal of Law and Politics*, 12(28), 69-86. (in persian)
- Eetedaal. (2014). "Zarif, Amir Kabir of Iranian Foreign Policy". available at: <https://etedaal.ir/fa/news/76133>. (in persian)
- Eysenc, M. Kane, M. (2010). *Cognitive Psychology*. Translated by: A. Rahnama and M.R. Faridi. Tehran: Ayij Publisher. (in persian)
- Faraji, M. (2013). "Investigations Perimeter of Sa'dabad Treaty and of its Formation Factors". *Quarter Bultin of Greater Khorasan*, 4(11), 55-63. (in persian)
- Farshidi, M. (2013). "Analogy of the Geneva Agreement with the Hodaybiyyah Peace". available at: <https://www.khabaronline.ir/news/324747>. (in persian)
- Farsnews. (2013). "Nuclear Agreement; Turkmenchay Treaty or an Opportunity to Pursue Diplomacy. available at: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920904001614>. (in persian)
- Fayyaz, A. A. (1999). *History of Islam*. Tehran: Tehran University Press. (in persian)
- Forbus, K., D. Genter, D., & Law . K. (1994). "MACIFAC: A Model of Similarity based Retrieval". *Cognitive Science*, 19(2), 141-205.
- Friedenberg, J., & Silverman . G. (2006). *Science Cognitive: An Introduction to the Study of Mind*, Sage Publications, Inc, Library of Congress Cataloging-in-Publication Data.
- Geramian, S. A. (2015). "Hodaybiyyah Peace and Nuclear Agreement". available at: <https://www.ettelaat.com/?p=144457>. (in persian)
- Ghouchani, M. (2013). "Transition from Mossadeq to Zarif". available at: <https://tarikhirani.ir/fa/news/3798>. (in persian).
- Gust, H., Krumnack. U., Kuhnberger, K., & Schwering . A. (2008). "Analogical Reasoning: a Core of Cognition. Available at: https://www.researchgate.net/publication/220634382_Analogical_Reasoning_A_Core_of_Cognition.
- Hemmer, C. (1999). "Historical analogies and the Definition of Interested: The Iranian Hostage Crisis and Ronald Regan Policy Toward the Hostage in Lebanon". *Political Psychology*, 20(2), 267-289.
- Holyoak, K., J. Gentner, D., & Kokinov . B . N. (2001). "Introduction: The Place

- of Analogy in Cognition. Available at: https://www.researchgate.net/publication/292792224_Introduction_The_place_of_analogy_in_cognition.
- Houghton, D. P. (1996). The role of analogical reasoning in novel foreign-policy situations. *British Journal of Political Science*, 26(4), 523-552.
- Houghton, D. P. (2004). *U.S. Foreign Policy and the Iran Hostage Crisis*. Cambridge University.
- Houghton, D. P. (2009). *Political Psychology Situations, Individuals, and Cases*. Library of Congress Cataloging-in-Publication Data.
- Izadi, F. (2013). "The Geneva Agreement is a Nuclear Turkmenchay". available at: <http://siasiuiran.blogfa.com/post/63Izadi>. (in persian)
- Kamali, Y., & Sheikhzadeh Jooshani, S. (2019). "Reasoning in Foreign Policy Making from the Analogy Perspective: The Case Study of Iran's Nuclear Issue". *Asian Politics and Policy*. 11(2), 208-226.
- Keddie, N. R. (2002). *Qajar Iran and the rise of Reza Khan: 1796-1925*. Translate by: M. Haghghatkah. Tehran: Ghoghnoos Publisher. (in persian)
- Khalili, M. (2001). "Decision-Making in Foreign Relations; Understanding why Differentiation with a Comparative Look at the Time of Amir Kabir and Sepahsalar". *Iran Contemporary History Quarterly*, 5(17), 23-48. (in persian).
- Lak, M. (2005). "An Introduction to Recognizing Myth and Explanation of its Identity Making Functions in War's Poetry". *National Studies Quarterly*, 6(23), 63-83. (in Persian)
- Macdonald, S. (2010). "Hitler's Shadow: Historical Analogies and the Iraqi Invasion of Kuwait". *Journal Diplomacy*, 13(4), 29-59.
- Marvi, A. (2014). "Hudaybiyyah Peace and Nuclear Negotiations". available at: <http://siasatrooz.ir/vdcjxveh.uqeymzsffu.html>. content code. 90164. (in persian)
- Masoudifar, J. (2015). "The Recent Nuclear Deal is Comparable to the Nationalization of the Oil Industry. available at: <https://bojnourd.iqna.ir/fa/news/3091572/>. (in persian)
- Mokhtari, M. T., Hasan Raznahan, M., & Ahangaran, A. (2015). "The Role of England and East India Company for the Separation of Afghanistan from Iran during Qajar Era". *Journal of Historical Researches*, 7(3), 97-118. (in persian).
- Nazarian, H. (2016). "Comparative Comparison between Resolution 598 and Barjam". available at: <http://cafehoghough.com/59840>. (in persian).
- Qalibaf, M. B. (2015). Qalibaf, M.B. (2015). "Comparative Study of Resolution

- 598 and Barjam Qalibaf point of view". available at: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1952652>. (in persian).
- Rahimi, A. (2014). "Review and Analysis of the Consequences of the Golestaan Treaty". *Parseh Quarterly*, 14(23), 105-123. (in persian)
- Rajabali, F. (2015). "From Arash to Zarif". available at: <http://www.ghanoondaily.ir/fa/546/201394>. (in persian).
- Rasanews. (2016). "Looking at the Post-revolutionary Contracts; Comparing Barjam and The Resolution 598/the Strange Story of Voluntary Withdraws. available at: <http://www.rasanews.ir/detail/News/469584/41>. (in persian)
- Ravanbakhsh, GH. (2015). "Lausanne Similarities with Turkmenchay Treaty". available at: <http://ravanbakhsh.blogfa.com/1394/01>. (in persian)
- Seratnews. (2013). "Interesting Similarities between Genevchay and Turkmenchay". available at: <http://www.seratnews.com/fa/news/158119>. (in persian)
- Seratnews. (2013). "The Agreement is the Letter that Took Everything ... with it". available at: <http://www.seratnews.com/fa/news/145294>. (in persian)
- Shams, F. (2015). "A Place equal to Mosaddeq". available at: <http://ebtekarnews.com/?newsid=11966>. (in persian).
- Sharifi, H. (2014). "The Peace of Imam Hassan, The Peace of Hudaybiyyah in the Current conditions". available at: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/04/22/429695/>. (in persian)
- Sheikhzadeh Jooshani, S., & Kamali, Y. (2018). "Analogical Reasoning and Foreign Policy-making (Case Study): The Historical Analogies used by Foreign Policy Analogizers about Iran's Nuclear Issue)". *Research Letter of Political Science*, 13(4), 105-133. (in persian)
- Siniver, A., & Collins, J. (2015). "Airpower and Quagmire: Historical Analogies and the Second Lebanon War". *Foreign Policy Analysis*, 11(2), 215-231.
- Sokooti Badagh, S. (2014). "The Ggeneva Agreement and The Hudaybiyyah Peace". available at: <http://diyarmirza.ir/1393/03/>. (in persian)
- Soleimani, M. (2015). "The United States made good use of the experience of the Algerian Agreement in the Nuclear Deal". available at: <http://www.rajanews.com/news/208901>. (in persian)
- Tabatabai Majd, GH. (1974). *Historical Treaties and Contracs in the Qajar Period*. Tehran: Mahmoud Afshar Yazdi Endowment Foundation. (in persian)
- Tajrishi, M. (2015). "Hudaybiyyah, Kufa, Vienna". available at:

- <http://www.rajanews.com/news/217485>. (in persian)
- Vertzberger, Y. I. (1986). "Foreign Policy Decisionmakers as Practical-Intuitive Historians: Applied History and Its Shortcomings". *International Studies Quarterly*, 30(2), 223-247.
- Visser, W. (1996). "Two Functions of Analogical Reasoning in Design: a Cognitive-Psychology Approach". *Design Studies. Special Issue Design Cognition and Computation*, 17, 417-434.
- Yaminpour, V. (2015). "Zarif and Great Damage". Available at: <https://t.me/s/yaminpour?after=71>. (in persian)
- Zaslavsky, A. (2001). "The Dark Forces: Popular Analogies in Russian Politics". *Demokratizatsiya*, 9(1), 75-89.

